گزارش

مهسا گربندی

## وزیر کشور: آمار کودکان کار را نداریم!

**سن‌شان کم است، اما ماجراهای زیادی را پشت سر گذاشته‌اند. زندگی‌شان به قدری سخت می‌گذرد که بعید است هر کدام از ما در سن بزرگسالی توان تحمل این سختی‌ها را حتی برای چند روز داشته باشیم! برخی از آنها کمک خرج خانواده‌شان شده‌اند و برخی دیگر زیردست سردسته باندهایی کار می‌کنند که منفعت و سودشان در حضور این کودکان در خیابان است. به تازگی وزیر کشور گفته‌است: «بخش زیادی از کودکان کار خیابانی مربوط به اتباع هستند.»**

در شهرهای مختلفی حضور کودکان کار مشاهده می‌شود، در پایتخت اما تعداد این کودکان به شدت زیاد است. به همین دلیل است که بارها و بارها از سوی مسئولان وعده برچیده‌شدن بستر کودکان کار داده شده، اما متأسفانه این وعده محقق نشده‌است. این پدیده طی سالیان متمادی مانند گره کور یک کلاف، بین سازمان‌های مختلف، سردرگم مانده و دنیای کودکان زیادی را به تباهی کشانده‌است، که در نتیجه تداوم آن جامعه را نیز رو به نابودی می‌برد.

**آمار نداریم!**

طبق برآوردها ۸۳ درصد کودکان خیابان از اتباع هستند که بین آنها فراوانی افغانستانی‌ها بیشتر است و بیش از ۶۰ درصد از آنها اتباع غیرمجاز هستند. این کودکان به دلایل شرایط کار سخت، خانواده نابسامان و فقر فرهنگی اغلب رفتارهای خاصی دارند که گاهی باعث آزرده خاطرشدن شهروندان می‌شوند؛ موضوعی که به تازگی احمد وحیدی، وزیر کشور نیز بدان اشاره کرد و گفت: «آمار رسمی و دقیق راجع به کودکان کار نیست، یک برآوردهایی هست، ولی دقیق نیست. البته بخش زیادی از کودکان کار خیابانی مربوط به اتباع هستند.»

او درباره اقدامات انجام شده برای ساماندهی کودکان کار و کاهش تکدی‌گری اظهار داشت: «دستگاه‌هایی که وظیفه ساماندهی این دو حوزه را دارند، مشخص هستند. سازمان بهزیستی موظف است این اقدام را انجام دهد، اما این کار گسترده‌تر از این است که سازمان بهزیستی به تنهایی انجام دهد، بنابراین از همه شهرداری‌ها خواستیم در تحقق این امر به بهزیستی کمک کنند.»

**باید همه ظرفیت‌ها بسیج شوند**

وحیدی با تأکید بر اینکه برای موفقیت در این زمینه باید همه ظرفیت‌ها بسیج شوند، گفت: «شهرداری‌ها باید کودکان کار و متکدیان را جمع‌آوری کنند و سپس سازمان بهزیستی نگهداری آنها را برعهده بگیرد، البته در برخی از مواقع فراجا هم در جمع‌آوری آنها کمک می‌کند.»

او به اقدامات وزارت کشور برای ساماندهی کودکان کار و تکدی‌گری اشاره و عنوان کرد: «وزارت کشور این موضوع را در قالب شورای اجتماعی در دستور کار دارد، برای انجام وظایف و اقدامات لازم تقسیم کار صورت گرفته و پیگیری‌های لازم انجام می‌شود و در حد امکان از نظر مالی کمک می‌کنیم.»

وحیدی گفت: «بعد از اینکه این کودکان جمع‌آوری می‌شوند، دستگاه‌ها را با مشکلاتی مواجه می‌کنند، اول اینکه این افراد به دلیل اینکه اتباع هستند، غیرقانونی می‌باشند و باید به کشورشان بازگردند. دوم اینکه این کودکان بعضاً خردسال هستند و برای دستگاه‌ها مشکل است که آنها را جمع‌آوری کنند. با وجود همه مشکلاتی که در این بخش وجود دارد، اما دستگاه‌های مربوط با قوت در حال انجام کار هستند و از جمله تصمیمات و مصوبات قطعی ما این بوده و هست که کودکان کار و متکدیان را جمع‌آوری کنیم.»

**۸۳ درصد کودکان کار از اتباع هستند**

طبق برآوردها ۸۳ درصد کودکان کار و خیابان از اتباع هستند که بین آنها فراوانی افغانستانی‌ها بیشتر است و بیش از ۶۰ درصد از آنها اتباع غیرمجازند.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی سازمان بهزیستی کشور، بیش از ۴۴ یا ۴۵ درصد از کودکان کار با بعد خانوار بین چهار تا شش نفر هستند. مسئولان بارها اعلام کرده‌اند که هر یک ریال کمک به کودکان کار، منجر به فرو رفتن این کودکان در گرداب مشکلات و سلب امکان توانمندسازی آنها خواهد شد.

برخی کارشناسان درآمد خوب را از دیگر علل افزایش کار اتباع ذکر کرده‌اند. براساس برخی بررسی‌های میدانی، خانواده دارای چهار فرزند، ماهانه ۶۰میلیون تومان درآمد از طریق کودک کار و خیابان، کسب می‌کند. در حالی که کشور پیشرفته‌ای مانند ژاپن با وجود سالمندی جمعیت و رشد منفی جمعیت حاضر به پذیرش و ادغام مهاجران نیست؛ ایران به عنوان کشور در حال توسعه به دلیل حس نوع‌دوستی و میهمان‌نوازی، پذیرای شمار زیادی از اتباع افغانستان شده‌است که فرزندان زیادی دارند و عده‌ای از آنها از این تعداد فرزندان پرشمار، برای کار در خیابان استفاده می‌کنند!

بررسی داده‌های منتشرشده در مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تعداد تولدها از مادران غیرایرانی در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۶ بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته‌است. اینها زنگ خطری است که مسئولان تا دیرتر از این نشده باید به آن توجه کنند.

**وعده‌هایی که محقق نشد**

بستر «کودکان کار» در پایتخت برچیده خواهد شد. این وعده‌ای است که علیرضا زاکانی در بهمن سال گذشته داده‌است. به تازگی او با حضور در برنامه زنده شبکه افق نیز گفته‌است: «رئیس جمهور شهید به شهردار تهران در حوزه آسیب‌های اجتماعی مسئولیتی را تفویض کرده‌بود، ایشان بارها در حوزه آسیب‌های اجتماعی از من پیگیری می‌کرد. نگران فروافتادگان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه بود. بسیار نگران کودکان کار بود. بارها در این حوزه پیگیری می‌کرد.» با وجود این پیگیری‌ها ما همچنان شاهد حضور کودکان کار در خیابان‌ها هستیم. بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا وعده شهردار تهران در رابطه با برچیده شدن بستر کودکان کار محقق نشده‌است؟ موضوعی که چندی پیش عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران بدان اشاره کرده و با یادآوری پیچیدگی موضوع ساماندهی کودکان کار نسبت به دیگر آسیب‌های اجتماعی گفت: «موضوعاتی مانند کودکان اتباع، مشکلات اقتصادی، لزوم بازپروری و حمایت از خانواده‌ها، آموزش و تربیت کودکان و مسائلی از این دست از پیچیدگی‌های مسئله است که باید برای آن طراحی و تدبیر شود.» بدون شک مقابله با پدیده کار کودک، کاری دشوار، سخت و پیچیده است، اما مشاهدات میدانی و حضور کودکان کار در خیابان‌های شهر خبر از این می‌دهد که اقدامات انجام شده تاکنون مؤثر نبوده‌است. پس نیاز است با ارزیابی دقیق از وضعیتی که با آن مواجه هستیم به دنبال راهکارهای جدیدتری باشیم تا بلکه مؤثر واقع شود.

**چرا کودکان کار ساماندهی نمی‌شوند؟**

ماه گذشته، احمد احمدی صدر، مدیر عامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در نشست کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران گفت: «در حوزه کودکان کار و خیابان ۴۸۲ کودک جذب شدند. از این جمع همگی احراز هویت و ثبت در سامانه شدند. برخی تحویل پدر و مادر شدند و برخی نیز که اتباع بودند، رد مرز شدند.» اقداماتی که خوب به نظر می‌رسد، اما بهتر است که سرعت بیشتری به خود بگیرد.

البته ۲۰ نهاد دولتی و غیردولتی در کشور متولی احقاق حقوق کودکان هستند، اما به نظر می‌رسد که رویکرد نادرست یا ترک فعل داشته‌اند، چراکه ساماندهی کودکان کار تا به این اندازه طولانی شده که سالیان سال به درازا کشیده‌است. متأسفانه جمع‌آوری کودکان کار دغدغه اصلی همه نهادهای متولی نبوده‌است. بنابراین نیاز است پس از این به گونه‌ای عمل شود که به نتایج بهتری دست یابیم تا به دنبال آن، چهره شهر از این پدیده آسیب‌زا پاک شود، در غیر این صورت روزی خواهد رسید که ناگهان جامعه با آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی فراوان حاصل از پدیده کودکان کار و خیابان مواجه می‌شود.

تحلیل بدرقه متفاوت رئیس‌جمهور شهید در گفت و گوی «جوان» با یک جامعه‌شناس

# شهادت جامعه متکثر ایرانی را همگرا می‌کند

گفت و گو

سجاد آذری

رضا دهشیری | جوان

**مواجهه مردم با شهادت و بدرقه رئیس جمهور شهید و همراهانش، پیام‌های جامعه‌شناسانه زیادی داشت. حتی آنهایی که به رئیسی هم رأی نداده‌بودند، شهید رئیسی را تشییع کردند. تا یک روز قبل از شهادت رئیس جمهور، فضای مجازی و البته فضای حقیقی، مملو بود از نقدها و جسارت‌ها علیه رئیس دولت سیزدهم. بلافاصله پس از خبر شهادت ورق برگشت. حتی سرسخت‌ترین منتقدان رئیسی هم در وصف شهید رئیسی مطلب گفتند و منتشر کردند. این دگردیسی جامعه در عرض کمتر از چندساعت، که محدود به مردم عادی هم نبود، تحلیل‌بردار است. شخصیت رئیس جمهور شهید در دوران مسئولیت‌های متفاوت به گونه‌ای بود که «ادب حکمرانی» را مراعات می‌کرد. این خصیصه باعث شده‌بود همه در تشییع او حضور پیدا کنند؟ درباره این مسائل با سید حسین شهرستانی، جامعه‌شناس و مدیر گروه حکمت و هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی گفت‌وگو کرده‌ایم.**

**رئیس‌جمهور و تعدادی از همراهان به شهادت رسیدند، رئیس جمهور فردی است که به قول معروف نان و آب مردم دستش است و ممکن است دیدگاه خوب یا بدی نسبت به وی در میان مردم وجود داشته‌باشد، ولی شاهد بودیم تشییع با شکوهی در مورد وی انجام شود، این اتفاق را از نظر جامعه‌شناسی چگونه تفسیر می‌کنید؟ به نظر شما به چه دلیل مردم چنین استقبالی از مسئولان خود انجام دادند؟**

در مورد تشییع شهدا مخصوصاً شهید رئیسی دو جنبه اصلی وجود دارد. یک جنبه مربوط به شخص آقای رئیسی است و اینکه ایشان توانست به نحو خاموشی یک اعتماد اجتماعی عمومی سمت خود، دولت و به تبع آن نظام جلب کند و برخلاف خیلی از رؤسای جمهوری که در نقطه آغاز تصدی مقام ریاست جمهوری رأی بالایی داشتند، ولی نتوانستند در تداوم عملکردشان فضای عمومی جامعه را از خود راضی نگه دارند، ایشان برعکس در نقطه آغاز رأی خیلی بالایی نداشت و با مشارکت خیلی بالایی به ریاست جمهوری نرسید، ولی در عملکرد مداوم در طول سه سال ریاست جمهوری این محبوبیت را کسب کرد که این هم خیلی ارزشمندتر از آن رأی توده‌وار و هیجانی مقطع انتخابات است.

در زمان انتخابات رأیی که داده‌می‌شود و جمعیتی که حضور پیدا می‌کنند یا به یک کاندیدا رأی می‌دهند، تحت‌تأثیر هیجانات مقطعی است و غالباً هم برمبنای یکسری دیگرسازی‌ها و غیرسازی‌ها است و معمولاً هم رأی‌ها سلبی بوده‌است بیشتر برای اینکه به کسی رأی داده‌نشود و به کسی یا طرحی نه گفته شود، فرد دیگری رأی می‌آورد و این ملاک مردمی بودن یا مقبولیت یک چهره سیاسی نیست، یک لحظه هیجانی است و می‌تواند یک رأی هیجانی میلیشیایی توده‌وار خلق شود. در این شرایط رؤسای جمهوری مثل آقای روحانی که سبد رأی و مشارکت در دوره آنها بیشتر از آقای رئیسی بود، ولی در متن همان طبقه رأی‌دهنده خودشان نیز محبوبیت نداشتند، پایین‌ترین و کمینه محبوبیت اجتماعی را داشتند، در حالی که در صحنه انتخابات به دلیل فضاهای هیجانی توده‌واری که در زمان انتخابات به وجود می‌آید، توانسته بودند یک رأی لحظه‌ای را برای خود خلق کنند. ولی آقای رئیسی برعکس بود، به دلیل اینکه خیلی هم با آن جنس رقابت‌های هیجانی ارتباط برقرار نمی‌کرد و از آن زمینه کم‌بهره بود با عملکرد خود بدون سروصدا و هیجان یک اعتماد واقعی، پایدار، عمیق و جدی در بدنه مردم بدون هیجانات شب انتخاباتی ایجاد کند و در لحظه شهادت یا مقطع سانحه تا قبل از اینکه خبر قطعی شهادت ایشان مطرح شود، در ذهن ایرانیان خاطره خود را بازسازی کرد و همه به این نکته توجه کردند که جز خاطره نیک و سجایای اخلاقی که در سیاست ایرانی کم و بیش کمرنگ شده‌بود، از ایشان به یاد ندارند.

**این اتفاق مربوط به شخصیت آقای رئیسی است؟**

بله، بخشی از این اتفاق به شخصیت و رفتار شخصی ایشان بازمی گردد، ولی بخش دیگری از آن فراتر از شخص مربوط به مفاهیم اجتماعی عمیقی است که امروز جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی توانسته آن را به یک روند فعال تاریخی تبدیل کند، یعنی یک مفهوم الهیاتی یا دینی و تاریخی مانند شهادت تبدیل به یک دینامیزم فعال تاریخی شده که تاریخ‌سازی می‌کند، مناسبات تاریخی را تغییر می‌دهد و بن‌بست‌های تاریخی و اجتماعی را باز می‌کند. این اتفاقی است که در طول سال‌های قبل از انقلاب در دوران جدید تاریخ ایران که دوران پساانقلاب است، رخ داده و تبدیل به یک نیروی فعال تاریخی شده‌است. تکرار این حوادث و صحنه‌های نشان می‌دهد ما با یک منطق پیش برنده تاریخی روبه‌رو هستیم که در جهان بی‌نظیر است و نظامات موجود جهانی هیچ کدام به آن آشنایی ندارند و این مکانیزم‌های تاریخی ماست که دارد جامعه را پیش می‌برد. به شکلی انگار ما از تقدیر مدرن جهان فاصله گرفته‌ایم و مقدرات تاریخی‌مان ذیل مفاهیم جدیدی دارد شکل می‌گیرد که یکی از آنها مفهوم شهادت است.

**این مفهوم شهادت چه کارکردی در جامعه ما دارد؟**

ذیل این مفهوم شهادت یکسری از نظامات معنایی و مناسکی و آیینی شکل گرفته که خیلی از شکاف‌ها و بحران‌های اجتماعی و مسائل سیاسی کشور را حل و فصل می‌کند و کشور را از بن‌بست‌های مهمی خارج می‌کند، از جمله همین مقطع که بالاخره ما بحران مشارکت اجتماعی یا بحران همدلی اجتماعی داریم، ولی این حوادث یکجور ترمیمی روی این مسائل و گرفتاری‌های اجتماعی هستند که درگیر آن هستیم و به ما نشان می‌دهند افقی برای حل و فصل مسائل اجتماعی در درون مکانیزم‌های تاریخی ملی و دینی خود داریم که یکی از مهم‌ترین آنها همین مسئله شهادت است. شهادت یک پدیدار بی‌نظیر و استثنایی در تاریخ ماست که هم ریشه‌های ملی و هم ریشه‌های دینی و شیعی دارد و این مفهوم را ما حتی توانسته‌ایم به ملل منطقه و نیروهای سیاسی مرتبط با خود منتقل کنیم و آنها هم توانسته‌اند با قدرت این مفاهیم و چارچوب‌های تاریخی افق هایی را باز کنند، البته نظم مدرن نمی‌تواند آن افق‌ها را فهم کند و راهکاری هم برای مقابله با آنها ندارد. در برابر ایده شهادت اصلاً چه کاری می‌توان انجام داد، تهش این است که کسی را می‌کشی، به همین دلیل در برابر این ایده، آن طرح تجددی غرب هیچ پاتک و پاسخی در برابرش دست و پا کند.

بنابراین وجه دوم این است که جدا از این شخص، آن ایده تاریخی که اینجا فعال و تبدیل به یک نیروی تاریخی شده‌است، از یک مفهوم الهیاتی، یک مفهوم ذهنی و مفهوم دینی صرف تبدیل به یک نیروی پیش برنده فعال تاریخی شده‌است و صرفاً یک اتفاق و مفهوم ذهنی نیست، بلکه یک نیروی پیش برنده فعال تاریخی شده‌است که دارد با مناسبات معاصر جامعه دست و پنجه نرم می‌کند و اتفاقاتی را پیش می‌آورد که همه را شگفت زده می‌کند. همین تشییع را کسی نمی‌تواند بگوید من می‌توانستم حدس بزنم این میزان جمعیت و این گستره جمعیت بعد از این بحران‌های اجتماعی که ما طی سال‌های بعد از هواپیمای اوکراینی تجربه کردیم، اتفاق می‌افتد، البته ما یک اوجی در شهادت شهید سلیمانی داشتیم، ولی بعد از آن بحران‌های متعدد اجتماعی از هواپیمای اوکراینی، ماجرای کرونا، ریاست جمهوری و ماجراهای ۱۴۰۱ داشتیم و بعد از همه این قضایا، این گستره جمعیتی با این کیفیت حضور پیدا کند که خیلی مهم است.

**منظور از کیفیت حضور چیست؟**

حضور وجودی تنها و بدن‌ها در خیابان خیلی با یک توئیت زدن یا حتی مشارکت انتخاباتی فرق دارد، یعنی یک درجه بالایی از حضور، مشارکت، همدلی و همبستگی است و فقط هم کسانی که در تشییع جنازه بودند هم ملاک نیستند ما همیشه می‌دانیم افرادی که در خیابان‌ها حاضر می‌شوند طیف وسیع‌تری را نمایندگی می‌کنند که نمی‌توانند بیایند و شرایط آن را ندارد ولی از طریق تلویزیون و دیگر وسایل دنبال می‌کنند و جدا از آن عده‌ای به این فضای عمومی احترام می‌گذارند و موجب یک نوع بازنگری‌هایی برای بخش دیگری از مردم هم می‌شوند، یعنی در کنار همدردی و غم و اندوه حداقل در بخشی از جامعه حتی اگر غم و اندوه عمیق هم نمی‌دید، ولی نوعی بزرگداشت و سکوت از نوع احترام می‌دیدید و این موجی بود که بعد از این شرایط اجتماعی دشوار نمی‌شد آن را پیش بینی کرد و این نشان می‌دهد که این مکانیزم‌های عمیق فعالیت می‌کنند.

**اگر بخواهیم از بعد سیاسی به ماجرا نگاه کنیم، ما در دهه ۶۰ رئیس جمهور و نخست‌وزیر و همچنین رئیس قوه قضائیه با هفتاد و دو تن دیگر شهید را از دست می‌دهیم و جامعه این شرایط وحشتناک را از سر می‌گذراند، بعد از آن اما توسط برخی گفته می‌شود که جامعه فعلی دیگر جامعه دهه ۶۰ نیست و توان چنین شرایطی را ندارد، ولی می‌بینیم که شرایط فعلی این اتفاقات را از سر می‌گذراند. آیا مانند دهه ۶۰ هستیم یا جامعه شرایط دیگری دارد؟**

تفاوت‌هایی هست و آن درجه از همدلی اجتماعی فراگیری که در دهه ۶۰ داشتیم که مشکلات را در خودش حل می‌کرد، الان وجود ندارد، ولی همان مکانیزم‌ها اکنون تبدیل به فرآیندهای قدرتمند نهادینه شده‌ای شده‌است؛ یعنی همان مکانیزم‌ها نهادینه شده در یک فرآیند قدرتمند شهادت اکنون تداوم پیدا کرده‌است؛ یعنی همان حیطه‌ای که در دهه ۶۰ کارهای ما را جلو می‌برد، اکنون نیز همان است حالا ممکن است در یک مقیاس دیگر، شکل و ریخت و شرایط اجتماعی متفاوتی است، ولی تاریخ جدیدی انقلاب دارد نمایش می‌دهد که البته این سازوکارها هر بار به شکل و قالبی خود را ظهور و بروز می‌دهند، ولی در مجموع یکی هستند و پایه و ریشه همان ایده‌هایی است که در دهه ۶۰ بنا گذاشته شده‌است.

**گفته می‌شود شهادت آقای رئیسی یک جریانی را ایجاد کرده چقدر قبول دارید رفتار آقای رئیسی امکان دارد تبدیل به گفتمان شود و با توجه به اینکه انتخابات پیش‌رو را داریم، این روند چقدر می‌تواند نامزدها و رأی‌دهندگان را تحت‌تأثیر قرار دهد؟**

در فرهنگ سیاسی ما یک چیزی جا افتاده‌بود و هر دو جناح سیاسی هم پذیرفته‌بودند که ما در ریاست جمهوری نیاز به یک فرد اصطلاحاً پاچه ورمالیده و حاضر جواب داریم و رئیس جمهور باید به این شکل باشد. حالا الگوی طرف مقابل آن روحانی می‌شود و الگوی این طرفی آن احمدی‌نژاد می‌شود؛ یعنی گفته می‌شد این اقتضای سیاست است و اگر کسی بخواهد خود را از این دهن به دهن شدن و منازعه کنار بکشد، نمی‌تواند رئیس جمهور شود، ولی آقای رئیسی نشان دادند که چنین چیزی ضرورت ندارد و صرفاً یک فرد گزنده، لفاظ، متظاهرانه، جدلی یک شخصیت ممتاز نمی‌آفریند، بلکه می‌تواند رئیس جمهور متفاوت باشد، کما اینکه بعضی از مواقع حتی تکلم آقای رئیسی نیز مشکل پیدا می‌کرد و خیلی هم تلاش نمی‌کرد جذاب باشد یا حرف خیره‌کننده‌ای بزند تا به قول معروف وایرال شود و اصلاً چنین تلاش‌هایی نمی‌کرد، بلکه مانند شهید سلیمانی خودش بود، البته شهید سلیمانی زبان‌آور بود، ولی این زبان‌آوری را خیلی عرضه و خودش را خیلی آشکار نمی‌کرد. این دو بزرگوار یک مدلی به ما نشان دادند که به دهه ۶۰ بازمی‌گردد و نشان می‌دهد که می‌شود محبوبیت عمیق سیاسی داشت، بدون اینکه در این میدان‌های منازعه آدم براساس قوانین و اصول مهم شهرت و سیاست بازی نکند و بدون اینکه این مرزها را شکست. این فرمول‌ها وجود داشت که هر کسی که می‌خواهد نامزد شود باید حرفی شاذ می‌زد و بتراکاند، ولی این دو بزرگوار اینگونه نبودند و دائماً خود را کنار می‌کشیدند؛ یعنی سیاست مبتنی بر پروپاگاندا و تبلیغات که توسط شهید رئیسی پروپگانی گفته شده‌بود، داشت مسیری می‌رفت که همه تسلیم آن شده‌بودند، ولی این دو نفر نشان دادند اصلاً به خصوص برای مردم ایران باهوش ضرورتی ندارد و مردم باهوش ایران با قلب خود می‌فهمند و ذهن‌هایشان را نمی‌توان با پروپاگاندا تسخیر کرد، چون این مردم باهوش صداقت، راستی و درستی را حس می‌کنند و این در مورد محبوبیت بخصوص شهید سلیمانی نیز دیده‌شد که در زمان حیاتش این مقدار محبوب بود، بدون اینکه چندان بروز رسانه‌ای داشته‌باشد و خود را کنار می‌کشید، در حالی که حتی در سرداران نیز کسانی هستند که تیم‌های تبلیغاتی دارند و برنامه‌ریزی‌های خاصی نیز انجام می‌دهند و عملاً زحمت می‌کشند که کارهایشان دیده شود، ولی جواب نمی‌گیرند و واقعاً هم بعضاً فکر می‌کنند مشکل تیم تبلیغاتی آنهاست و تیم تبلیغاتی شهید سلیمانی موفق بوده و باید بروند دوره ببینند تا مشکلشان حل شود! در حالی که اینگونه نیست و یکسری از مسائل شخصی است که با فرهنگ ایرانی و حتی اساطیر، هویت و روحیه ایرانی و اسلامی مردم انطباق دارد و اگر انطباق حاصل شد، مردم حس مثبت پیدا می‌کنند. البته این جدا از اخلاص و توکل است که خدا به دل‌های افراد می‌اندازد و محاسبه‌پذیر نیست و اصل ماجرا هم همان هست، ما سطح تحلیل‌پذیر ماجرا را داریم تحلیل می‌کنیم. حالا شهید رئیسی از آن جهت که در متن سیاست روزمره و دولت بود و در معرض سیاست کثیف قرار داشت و هر کسی در این موقعیت ممکن است آلوده چارچوب‌هایی شود که بدبینی قلمداد شده و جزو قوانین حضور در این میدان است، ولی دامنش آلوده نشد و دوستان و دیگرانی که هم‌جناح او هم نبودند، به این مسئله حتی قبل از شهادت ایشان اقرار می‌کردند. این مطلب که در پیام آقای خاتمی و بقیه هم بود، نشان می‌داد به دور از تعارف واقعیت را نشان می‌دهد.

گزیده

## ۲۲ درصد آب تهران هدر می‌رود

**مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران از هدر رفت ۲۲ درصدی در این شهر خبر داد و گفت: ۱۱ درصد این هدررفت در ۲۲ هزار کیلومتر شبکه آب روی می‌دهد.**

محسن اردکانی، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران در جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران که به عنوان مهمان ویژه حضور پیدا کرده بود، گفت: تهران رشد بسیار خوبی در دسترسی به شبکه فاضلاب داشته و ۸ هزار و ۲۰۰ کیلومتر از ۹ هزار کیلومتر سیستم فاضلاب اجرایی شده‌است. تمام مشکلات تصفیه‌خانه خرگوش‌دره برطرف شده و در حال انتخاب پیمانکار است. بی‌تردید در سال جاری عملیات اجرایی آن انجام خواهد شد. تصفیه‌خانه شهر آفتاب نیز در مرحله انتخاب پیمانکار است که به این ترتیب دسترسی به شبکه فاضلاب از ۵۵ درصد به ۷۵ درصد خواهد رسید.

وی با بیان اینکه تأمین آب اضطراری در تهران به‌گونه‌ای است که در معدود شهرهایی در دنیا اینچنین اجرایی می‌شود، اظهار کرد: در بیمارستان‌ها نقاطی تعیین شده و هر کجا که شهرداری اعلام کند، مشکلی برای تعبیه مخازن نداریم. برای مثال بیمارستان امام خمینی(ره) یکی از مواردی است که می‌توان نسبت به تعبیه مخزن در آن اقدام کرد.

مدیر عامل آب و فاضلاب استان تهران با تأکید بر اینکه هنوز مصوبات برنامه هفتم ابلاغ نشده و براساس برنامه‌های قبل اقدامات انجام می‌شود، افزود: قانون جدید می‌گوید باید ۱۰ درصد از تعرفه‌ها استفاده شود، اما هنوز قانون ابلاغ نشده و براساس قانون قبل اقدامات خود را انجام می‌دهیم. این آمادگی را داریم که تصفیه‌خانه منطقه ۱۹ را از محل تبصره ۳ به طور موقت تحویل بگیریم. با این واگذاری می‌توانیم فاضلاب منطقه را به تصفیه‌خانه مورد نظر انتقال دهیم.

وی تصریح کرد: هیچ آب فاضلابی وارد شبکه آبی نمی‌شود، مگر اینکه استاندارد آن تأیید شده باشد. آب تهران از میانگین استانداردهای جهانی بالاتر است. آب در دیگر شهرهای دنیا آب بهداشتی است، اما در تهران آب بهداشتی و شرب تولید می‌شود و سلامت آن کاملاً تضمین شده‌است.

اردکانی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به اینکه یکی از مصوبات شورای شهر تهران باید این باشد که تجهیزات کاهنده برداشت آب در تأسیسات شهری نصب شود، افزود: در تهران میزان هدررفت آب ۲۲ درصد است که ۱۱ درصد آن در ۲۲ هزار کیلومتر شبکه آب است. بخشی از درآمد تبصره ۳ به بازسازی شبکه فرسوده اختصاص دارد. ۱۱ درصد هدررفت نیز پرتی ظاهری است که آمار آن را نداریم. مدیریت پرتی شبکه آب در سال گذشته بیش از هر سال دیگری بوده‌است. آبفا و شهرداری خود را مکلف می‌داند ۹۵۰ نقطه اتصال را اصلاح کنند که این اقدامات در حال انجام است.

وی تأکید کرد: ۳ میلیون متر مکعب آب در مخازن آب اضطراری ذخیره شده و شیرهای برداشت آنی و اتوماتیک برای آنها نصب خواهد شد. براساس مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان واحدهای پنج طبقه به بالا و آسمانخراش‌ها باید پمپ و مخزن آب نصب کنند. ذخایره سدها در سال‌های اخیر یک میلیارد متر مکعب بوده، اما سال قبل به ۴۰۰ میلیون متر مکعب رسیده، اگر فشار آب شبکه را کاهش ندهیم، چگونه می‌توان با این میزان ذخیره آب شرایط را مدیریت کرد.

مدرسه

آموزش و پرورش:

## امکان خطا در تصحیح برگه امتحان نهایی وجود دارد

**رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش با اشاره به دانش‌آموزانی که مجدد برای امتحانات نهایی فراخوان می‌شوند، درباره تصحیح برگه‌های امتحانات نهایی با خطای کمتر توضیحاتی داد.**

محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش درباره دانش‌آموزانی که مجدد از آنها امتحان نهایی گرفته می‌شود، اظهار کرد: اگر سوابق تحصیلی دانش‌آموز با نمره کسب شده در امتحانات نهایی متفاوت باشد، این موضوع به عنوان شبهه علمی شناخته می‌شود و از فرد برای آزمون مجدد دعوت و احراز صلاحیت علمی می‌شود.

وی افزود: در جریان برگزاری امتحانات نهایی بررسی‌های فنی انجام می‌شود و اگر در یک درس، نمره امتحان دانش‌آموز با سایر امتحانات یا سوابق تحصیلی او تفاوت زیادی داشته باشد برای آزمون مجدد دعوت خواهد شد، در صورت تأیید صلاحیت، نمره به او تعلق می‌گیرد، اما در صورت عدم احراز صلاحیت به عنوان متخلف شناسایی می‌شود.

رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش در ادامه درباره شیوه تصحیح برگه‌های امتحانات نهایی دانش‌آموزان گفت: تصحیح اوراق امتحانی در اتاق شیشه‌ای انجام می‌شود و همه موارد قابل رصد است. در گذشته تصحیح اوراق به شیوه دستی بود و حتی بازبین‌ها در گروه‌های آموزشی که وظیفه بررسی اوراق را بر عهده داشتند نمی‌توانستند خطاهایی را که به دلیل خستگی یا در محاسبه اعداد رخ می‌داد، شناسایی کنند، اما در تصحیح الکترونیک این موارد قابل رصد است.

وی افزود: در صورت مغایرت تا یک نمره میان مصحح اول و دوم، سامانه نمره را به نفع دانش‌آموز و به سمت نمره بالاتر محاسبه می‌کند، اما اگر اختلاف بیش از یک نمره باشد، برگه به مصحح سوم ارسال می‌شود که نظر او مرجع اصلی است و اگر اختلاف بین سه مصحح فاحش باشد، برگه امتحان به چرخه تصحیح باز می‌گردد.

به گزارش تسنیم، زارعی با اشاره به اینکه خطا در هر تصحیحی وجود دارد، گفت: در امتحانات نهایی بخشی از فرآیند به گونه‌ای طراحی شده است تا خطا به حداقل برسد، به عنوان مثال جمع‌بندی نمرات توسط سامانه انجام می‌شود، همچنین اگر مصحح در تصحیح خطاهای متعدد داشته باشد، سامانه به او هشدار می‌دهد و اگر این روش او تداوم داشته باشد دسترسی‌اش قطع خواهد شد.

رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش ادامه داد: مصححان باید برگه‌های امتحانات نهایی را طبق راهنمای ارائه شده تصحیح کنند و از خود اجتهاد نکنند.

وی تأکید کرد: راهنمای تصحیح مبنای کار است که این راهنما در اختیار دبیرخانه‌های کشوری دروس قرار گرفته‌است و بعد از تأیید آنها به عنوان راهنما در اختیار مصححان قرار می‌گیرد.